

## پرسش ۶۷: تفسیر دو آیه: «هو الذی انشأکم من نفس واحدة...»، «وما من دابة فی الارض... کتاب مبین»

السؤال / ۶۷: ما تفسیر الآيتين: (وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ) ([131])، (وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ) ([132]) ؟

المرسل: عباس طاهر

تفسیر این دو آیه چیست؟ «و او است خداوندی که شما را از یک تن بیافرید. سپس شما را قرارگاهی است و و دیعت جایی است. آیات را برای آنان که می فهمند به تفصیل بیان کرده ایم» ([133]) و «هیچ جنبنده ای روی زمین نیست جز آنکه روزی اش بر عهده ی خدا است، و موضع و مکانش را می داند؛ زیرا همه در کتابی مبین آمده است» ([134]).

فرستنده: عباس طاهر

**الجواب:** بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

قال تعالى: (يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً) ([135]).

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

خداوند متعال می فرماید: «ای روح آرامش یافته! \* خوشنود و پسندیده به سوی

پروردگارت بازگرد» ([136]).

والنفس المطمئنة هي التي سكن وقر فيها الإيمان فاستقرت به، وهذه هي نفوس الأنبياء والأوصياء وأولياء الله الذين آمنوا بهم ونصروهم. وفي مقابل النفوس المطمئنة النفوس المضطربة، وهي نفوس المؤمنين الذين يتخلل إيمانهم شيء من الشك ولو كان قليلاً، وهذه النفوس سكن فيها الإيمان ولكنه لم يقر فيها؛ لبقاء الشك فيها، فالإيمان مستودع فيها، فأما أن يبقى فيها الإيمان بفضل الله، وأما أن يزداد الشك والظلمة فيها حتى يخرج منها الإيمان والنور، فتمسي مظلمة مضطربة لا قرار لها، وهكذا نفوس (كظلمات في بحر لحي يغشاه موج من فوقه موج من فوقه سحب ظلمات بعضها فوق بعض إذا أخرج يده لم يكد يراها ومن لم يجعل الله له نورا فما له من نور) ([137]).

نفس مطمئنه، همان نفسی است که در آن ایمان ساکن شده و قرار گرفته و با آن آرامش یافته است. این نفس‌ها، نفس‌های انبیا و اوصیا، و اولیای الهی یعنی کسانی که به ایشان (ع) ایمان آوردند و آنها را یاری دادند، می‌باشد.

در مقابلِ نفس‌های مطمئنه، نفس‌های مضطربه (ناآرام) قرار دارد؛ نفس‌های مؤمنینی که درون آنها پاره‌ای از شک هر چند کم، وارد می‌شود. در این نفس‌ها ایمان ساکن شده است اما مستقر نیست؛ چرا که پاره‌ای از شک درون آنها باقی است. ایمان به این نفس‌ها وارد شده است اما یا به فضل خداوند این ایمان باقی می‌ماند و یا شک و ظلمت در آنها رو به فزونی می‌گذارد تا جایی که ایمان و نور از آنها خارج شود، که در این صورت در ناآرامی‌های تاریکی باقی می‌مانند، بدون آرام و قرار. این نفس‌ها «یا همانند تاریکی‌هایی است در دریایی ژرف که موجش فرو پوشد و بر فراز آن موجی دیگر و بر فرازش ابری است تیره، تاریکی‌هایی بر فراز یکدیگر، آن گونه که اگر دست خود بیرون آرد، آن را نتواند دید و آن که خدا راهش را به نوری روشن نکرده باشد، هیچ نوری فرا راه خویش نیابد» ([138]).

وبهذا تبين أن قوله تعالى: (وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ) ([139])، أي: الإيمان مستقر ومستودع.

به این ترتیب روشن شد که این سخن خداوند متعال « و او است خداوندی که شما را از یک تن بیافرید. سپس شما را قرارگاهی است و و دیعت جایی است. آیات را برای آنان که می‌فهمند به تفصیل بیان کرده‌ایم» ([140]) یعنی ایمان پایدار و به ودیعه نهاده شده.

أما قوله تعالى: (وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ) ([141]) فأراد ب (مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا) النفوس، فعلى المؤمن أن يكثر من الدعاء كي يكون إيمانه مستقراً لتكون نفسه مطمئنة.

اما در این سخن خداوند متعال « هیچ جنبنده‌ای روی زمین نیست جز آنکه روزی اش بر عهده‌ی خدا است، و موضع و مکانش را می‌داند؛ زیرا همه در کتابی مبین آمده است » ([142]) ، منظور خداوند متعال از «مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا» نفس‌ها است. هر انسان مؤمن باید بسیار دعا کند تا ایمانش مستقر شود تا نفسش مطمئن گردد.

في دعاء يوم الغدير الذي ورد عن الصادق (ع) قال: (... رَبَّنَا إِنَّكَ أَمَرْتَنَا بِطَاعَةِ وُلاةِ أَمْرِكَ وَأَمَرْتَنَا أَنْ نَكُونَ مَعَ الصَّادِقِينَ، فَقُلْتَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ وَقُلْتَ اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ، فَسَمِعْنَا وَأَطَعْنَا رَبَّنَا فَتُبَّتْ أَقْدَامُنَا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ مُصَدِّقِينَ لِأَوْلِيَانِكَ، وَلَا تُزِعْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِالَّذِي فَضَلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ جَمِيعاً أَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي أَكْرَمْتَنَا فِيهِ، وَأَنْ تُنْتَمَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَتَجْعَلَهُ عِنْدَنَا مُسْتَقَرّاً وَلَا تَسْلُبْنَاهُ أَبَداً، وَلَا تَجْعَلَهُ مُسْتَوْدَعاً فَإِنَّكَ قُلْتَ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ فَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرّاً وَلَا تَجْعَلْهُ مُسْتَوْدَعاً، وَارْزُقْنَا نَصْرَ دِينِكَ مَعَ وَليِّ هَادٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَاجْعَلْنَا مَعَهُ وَتَحْتَ رَايَتِهِ شُهَدَاءَ صِدِّيقِينَ فِي سَبِيلِكَ وَعَلَى نُصْرَةِ دِينِكَ) ([143]).

در دعای روز غدیر از امام صادق (ع) نقل شده است: .... پروردگارا! ما را به اطاعت از والیان امرت امر کردی و به ما امر فرمودی همیشه با راست‌گویان باشیم و فرمودی از خدا و رسول خدا و اولو الامر تان اطاعت کنید و فرمودی تقوی پیشه کنید و همراه راست‌گویان باشید. شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! قدم‌های ما را پایدار و ثابت

نگهدار و جان ما را مسلمان و گواهی کننده‌ی اولیای ات بستان، و قلب‌های ما را پس از اینکه هدایت کردی گمراه مکن و از رحمت خود بر ما تصدق فرما که تو بسیار بخشاینده‌ای. پروردگارا! تو را به حقی که آن را نزد آنها قرار دادی و به فضل و به آنچه بر تمام عالمیان برتریشان دادی، استدعا داریم که در این روز که برکت خود را بر ما نازل کنی و نعمت را بر ما تمام کنی و ایمان را نزد ما مستقر فرمایی و هیچ گاه آن را از ما نگیری و آن را مستودع قرار نده که شما فرمودی مستقر و مستودع، آن را مستقر قرار بده و آن را مستودع قرار مده و نصرت دینت را با ولیّ هادی و منصور از اهل بیت نبی خود روزی مان فرما و ما را با او و زیر پرچم او شهدا و مصدقین راهت و بر نصرت دینت قرار بده ([144]).

وَعَنْ أَبِي- الْحَسَنِ (ع)، قَالَ: (إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ النَّبِيِّنَ عَلَى النُّبُوَّةِ فَلَا يَكُونُونَ إِلَّا أَنْبِيَاءَ، وَخَلَقَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْإِيمَانِ فَلَا يَكُونُونَ إِلَّا مُؤْمِنِينَ، وَأَعَارَ قَوْمًا إِيمَانًا فَإِنْ شَاءَ تَمَمَهُ لَهُمْ وَإِنْ شَاءَ سَلَبَهُمْ إِيَّاهُ، قَالَ: وَفِيهِمْ جَرَتْ: فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ. وَقَالَ لِي: إِنْ فَلَانًا كَانَ مُسْتَوْدَعًا إِيْمَانَهُ فَلَمَّا كَذَبَ عَلَيْنَا سُلِبَ إِيْمَانُهُ ذَلِكَ) ([145]).

از ابو الحسن (ع) نقل شده است که فرمود: «خداوند انبیا را بر نبوت خلق کرد آنها و جز نبی نخواهند شد و مؤمنان را بر ایمان خلق کرد و جز مؤمن چیز دیگری نخواهند شد و قومی را به ایمان آراسته کرد که اگر بخواهد آن را برایشان کامل کند و اگر نخواهد آن را از آنها سلب خواهد کرد. فرمود: و در آنها جاری شد: مستقر و مستودع. به من فرمود: فلانی ایمانش مستودع است؛ پس آن هنگام که بر ما دروغ گفت، ایمانش از او گرفته شد» ([146]).

وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: (إِنَّ اللَّهَ جَبَلَ النَّبِيِّنَ عَلَى نُبُوَّتِهِمْ فَلَا يَرْتَدُّونَ أَبَدًا، وَجَبَلَ الْأَوْصِيَاءَ عَلَى وَصَايَاهُمْ فَلَا يَرْتَدُّونَ أَبَدًا، وَجَبَلَ بَعْضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْإِيمَانِ فَلَا يَرْتَدُّونَ أَبَدًا، وَمِنْهُمْ مَنْ أُعِيرَ الْإِيمَانَ عَارِيَّةً فَإِذَا هُوَ دَعَا وَالْحُ فِي الدُّعَاءِ مَاتَ عَلَى الْإِيمَانِ) ([147]).

ابو عبد الله (ع) فرمود: «خداوند انبیا را بر نبوتشان سرشت و هیچ گاه از نبوت مرتد نمی‌شوند و اوصیا را بر وصیتشان سرشت و هیچ گاه از آن ارتداد نمی‌یابند و بعضی از مؤمنان را با ایمان سرشت و هیچ گاه از آن مرتد نخواهند کرد و به بعضی ایمان را به امانت سپرد که اگر دعا کنند و بر دعا کردن پافشاری کنند، بر ایمان خواهند مرد» ([148]).

و عن البزنطي، قال: وعدنا أبو الحسن الرضا (ع) ليلة إلى مسجد دار معاوية، فجاء فسلم (ع)، فقال: (إن الناس قد جهدوا على إطفاء نور الله حين قبض الله تبارك وتعالى رسوله، وأبى الله إلا أن يُتَمَّ نُورُهُ، وقد جهد علي بن أبي حمزة على إطفاء نور الله حين مضى أبو الحسن (ع) فأبى الله إلا أن يُتَمَّ نُورُهُ، وقد هداكم الله لأمر جهله الناس فاحمدوا الله على ما من عليكم به، إن جعفرًا (ع) كان يقول فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ، فالمستقر ما ثبت من الإيمان، والمستودع المعار وقد هداكم الله لأمر جهله الناس فاحمدوا الله على ما من عليكم به) ([149]).

از بیزنطی نقل شده است: شبی ابو الحسن رضا (ع) در مسجد خانه‌ی معاویه با ما وعده گذاشت. وقتی آمد سلام کرد و فرمود: «پس از اینکه خداوند تبارک و تعالی پیامبرش (ص) را قبض روح نمود، مردم سعی نمودند که نور خدا را خاموش کنند و خداوند نخواست که نورش خاموش گردد و آن را روشن نگه داشت. علی بن ابی حمزه هم پس از شهادت ابو الحسن (ع) تلاش کرد تا نور خدا را خاموش کند ولی خداوند نخواست که نورش خاموش شود و آن را روشن نگه داشت. خداوند شما را به امری که مردم در آن نادانی کردند هدایت نمود، پس خدای را حمد و سپاس گوید به منّتی که بر شما ارزانی داشت که امام جعفر (ع) می‌فرمودند: «فَمُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدِعٌ»؛ مستقر یعنی آنچه از ایمان ثابت بماند و مستودع همان استعاره یا امانت است و خداوند شما را به امری هدایت کرد که مردم در آن جاهل ماندند پس حمد و سپاس خدا را بر این منّت که بر شما ارزانی داشت، به جا آورید» ([150]).

وعن أبي بصير، عن أبي جعفر (ع)، قال: (قلت: (هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ). قال: ما يقول أهل بلدك الذي أنت فيه؟ قال: قلت: يقولون مستقر في الرحم ومستودع في الصلب. فقال: كذبوا، المستقر ما استقر الإيمان في قلبه فلا ينزع منه أبداً، والمستودع الذي يستودع الإيمان زماناً ثم يسلبه، وقد كان الزبير منهم) ([151]).

ابو بصير از ابو جعفر(ع) نقل می کند؛ گفت: در مورد این آیه سوال کردم « و او است خداوندی که شما را از یک تن بیافرید. سپس شما را قرارگاهی است و ودیعت جایی است » فرمود: « اهل شهر شما چه می گویند؟ » گفتم: می گویند مستقر، آنچه در رحم زنان، و مستودع آنچه در پشت مردان قرار دارد. فرمود: « دروغ می گویند. مستقر آنکه ایمان در قلبش قرار دارد و هیچ گاه از او گرفته نخواهد شد و مستودع ایمانی که مدتی در قلب باشد و سپس از آن گرفته شود که زبیر بن عوام از آن گروه می باشد» ([152]).



[131] - الانعام: 98.

[132] - هود: 6.

[133] - انعام: 98.

[134] - هود: 6.

[135] - الفجر: 27 - 28.

[136] - فجر: 27 و 28.

[137] - النور: 40.

[138] - نور: 40.

[139] - الأنعام: 98.

[140] - انعام: 98.

[141] - هود: 6.

[142] - هود: 6.

[143] - تهذيب الأحكام: ج 7 ص 147.

[144] - تهذيب الاحكام: ج 7 ص 147.

[145] - الكافي: ج 2 ص 418.

[146] - كافي: ج 2 ص 418.

[147] - الكافي: ج 2 ص 419.

[148] - كافي: ج 2 ص 419.

[149] - بحار الأنوار: ج 49 ص 262.

[150] - بحار الانوار: ج 49 ص 262.

[151] - تفسير العياشي: ص 371.

[152] - تفسير عياشى: ص 371.